

# تکمله استخراج تاریخ در نظم

(۵)

متعلق نفعه دوم از رائحه سوم مشتمل بر تواریخ بمصاریع برجسته  
قطعه از طبع مرحوم قبله که هی ده تا ریخ فوت اخندزاده عبدالرحیم خان  
حاکم میمنه (۱)

نکو مرد دبندار روشن روان	عظرفت نهاد و شرافت نشان
بتقوی و علم و عمل فردا کمال	باخلاق و آداب بکتمای دوران
بنزد همه شهره آخندزاده	ولی نام نامیش عبدالرحیم خان
پس از شهرت نام و اخلاق نیکو	تعیین گشت در میمنه حکمران
بعدل و با نصاب تا بیست سال	دران منطقه بود حکمتر روان
نادر خدمت ملک زوشد قصوری	نه بکفر ملت از و بافت نقصان
همه میمنه را گرفتار خود کرد	به بند مواسات و الطاف و احسان
ندیده است و نشنیده زان بنای عالم	چو او جا کمی از پدر مهر بان
جهان چون ندارد نیک آخر کار	با مر قضا داد جان را بجایان
بخون چون شفق از غمش غوطه و داشت	ازین مرد و اطفال و پیر و جوان
زد از سال فونش رقم فضل احمد	(بدار جنان باد عبد الرحیم خان)

۱۳۳۴ هـ ق

متعلق گل دوم - غنچه اول - رائحه سوم - نفعه دوم

این نفعه حاوی است بر تواریخ کامل الاعداد بمصاریع برجسته که حاوی

(۱) اخندزاده عبدالرحیم خان یکی از رجال باعلم و تقوی و قانع و پاک نفس  
و با دیانت و خوش اخلاقی بوده که بعد از بیست سال در عین حکومت خود در انجا وفات یافته  
از بسکه صاحب رویه نیک و حسن گذاره بوده تا حال مرقدهش نزد اهالی آنجا محترم است  
هر گاه بعضی از قارئین این سطور را به بیشتر شرح حال این مرد اطلاعی باشد خواهشمندیم  
بفرض یاد و بود آن مرحوم بما بنکارند تا به یکی از مجلات نشر شود و سبب احیای نام آن نامور گردد. «خیل»

چند جمله باشد و هر جمله جدا گانه مخبر تاریخ باشد .  
 این طریقه ماده تاریخ خیلی خوب است که اگر در يك جمله اشتباهی رود  
 جملات دیگر رفع اشتباه نموده یکی مصدق دیگر می شود و مطابق این نفعه آنها  
 بنظر نگارنده در تاریخهای ریخته کلك کهرسلك حضرت میرزا بیدل رسیده  
 و اینك بطور مثال و نمونه چند تاریخی آورده می شود .

۱- تاریخ ولادت خودش که از زبان بزرگی می سراید .  
 بسالیکه بیدل بملك ظهور ز فیض ازل تافت چون آفتاب  
 بزرگی خیر داد از مولدش که هم ( فیض قدس ) است و هم ( انتخاب )

۱۰۵۴

۲- در ولادت فرزند میر لطف الله پسر شکر الله خان که از دوستان

صمیمی اوست .

فروغ انجمن لطف میر لطف الله همان مهین خلف خان آفتاب لقب  
 خدایش کرد عطا ارجمند فرزندی که بشکفت ز گل مقدش بها رطرب  
 امید هست گزین مطلع کتاب ظهور بدرس جلوه رسد معنی کمال حسب  
 سخاو فضل و شجاعت وقار و دانش و عدل شهود و فطرت و اخلاص و وجد و شوق و طلب  
 ولادتش طرب ایجاد این دو تاریخ است ( ندای عالم فیض ) و ( نهال باغ ادب )

۱۰۹۶

۳- در تاریخ عمارت : *رتال جامع علوم انسانی*

آفتاب عالم تعظیم شکر الله خان آنکه از ذاتش شرف دارد سپهر معدلت  
 این طرب بنیاد از اقبال او ترتیب یافت این شرف منزل ز جاهش داد عرض میمنت  
 از بی تحقیق سالتش شمع روشن میکند نورش تاریخ در يك بیت معنی منزلت  
 شان رفعت ' خانه همت ' مقام پایه بخش ' خان نشیمن ' ما من عشرت ' جهان مرتبت  
 اعداد هر يك از جملات حاوی سنه ۱۱۰۱ میباشد .

۴- نگارنده بخواهش بعضی احباب قطعه تاریخ حضرت سنائی غزنوی رح  
 را که میر اعظم سپهر دانش و معرفت و استاد حکمت و شعر است و در اکثر قطعات  
 تواریخ افول این ستاره درخشان مطابق عدد کلامه ( زهی گل جنت ) ۵۲۵ سهواً



قید شده بمرام تصحیح در عین نگارش این مقاله انشاد نمودم که ماده تاریخ آن برطبق ابن نفحه دست داده و اینک بغرض روشن شدن صحت تاریخ آن حکیم عارف نگاشته می شود تا عقیدت مندان را هدیه باشد.

قافله سالار حکمت بکه تاز معرفت کشور فضل و علوم و جهد و تقوی را امیر  
در شریعت بو مطیع و ابن میمون را عدیل در شریعت با بزید و شیخ شبلی را نظیر  
پند او در گوش دا تا به زدر شاهوار و عطا او در طبع هر فردی گو ارا همه چو شیر  
نثر او ماء معین و نظم او سلک کهر آن خرد را روح بخشار بن روان دلپذیر  
آن عزیز معنوی یعنی حکیم غزنوی ابن آدم حضرت (مجدود) ابوالمجد شهیر  
پر توسینای عشق و معرفت چون بوده است یافته شهرت سنائی نزد سلطان و فقیر  
بلبل طبعش ندای ارجعی را چون شنید بر فشان شد زین قفس در باغ جنت زو صغیر  
(مهر گردون ۵۲۵) اتفاقاً سال وصلش گشته قید در بسا تاریخ و لوح قبر آن شیخ کبیر  
لیک ظاهر شد که سهوی اندر بن تاریخ هست بعد تحقیق مزید و بعد تدقیق کبیر  
زانکه سنگ تریتش بعد از زمانی گشته نقش زان سبب در شبهه افتاده است یک جم غفیر  
پس برای رفع شبهه سال اصل و صل را آرزو کردند باران قطعه نواز حقیر  
هفت تاریخ عجب بنوشت در بیستی خلیل استعانت جست تا از روح آن روشن ضمیر  
یمن همت ' فرط نور ' آئینه پرد از هنر باب شرم ' اوج سعادت ' مقتدا ' مهر منیر  
هر یک ازین جملات جدا جدا چو حایری عدد سنه ۵۴۵ میباشند.

۵- گرچه قطعه ذیل که از حضرت ببیدل در تاریخ عروسی یکی از دوستانش میباشد بلحاظیکه تاریخ متعدد نیست مربوط این نفحه شناخته نمی شود اما باعتباریکه از جملات متعدد یک تاریخ را بر آورده و خیلی پسند افتاد در اخیر نفحه آورده شد.

زهی ساز عیشی که نه آسمان برقص آمد از شور کوس و دهل  
ز کیفیت این عروسی بساط جهان گشته یک جام و صدرنگ مل  
طلب کردم اسرار تاریخ آن بقسم نوا در ' ز فیاض کل  
بفرمود بهر شکون جمع کن دو کو هر دو کو کب دو بر ک و دو کل